

واکاوی تأثیر موقعیت ژئوپلیتیک ایران در عرصه جهانی به‌ویژه دفاع مقدس

سعید جهانگیری^۱؛ ناصر گروسی^۲؛ مریم خالقی نژاد^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵

چکیده: این مقاله با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای به دنبال بررسی روند تغییر و تحولات موقعیت ژئوپلیتیک ایران در دوره‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی است تا بتواند چگونگی و علل این روند را مورد واکاوی و بررسی ژرفتر قرار دهد. استدلال مقاله، این است که روند تحولات ژئوپلیتیک ایران بسیار سریع و در دهه‌های اخیر بیشتر تحت تأثیر روند تغییر و تحولات درونی جامعه ایران و توان قدرت‌زایی درونی و انقلابی بوده و عوامل خارجی و بین‌المللی نقش ثانویه را در این روند داشته است. باید توجه کرد که گسترش فعالیتهای نظامی، براساس نیازهای درونی و بیرونی و کمبود تاریخی امنیت شکل گرفت که ممکن است این واقعگرایی را تکامل بخشد و در جهت ساخت نظام امنیتی پایدار و برون‌رفت از چالشهای پیش رو در این قرن بسیار اثربخش باشد. واقعگرایی ایرانی در سیر تکوینی خود از ابتدا تاکنون از واقعیت‌های عینی داخلی، جغرافیای سیاسی و چالشهای ژئوپلیتیک منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیر پذیرفته است. هم‌چنین در جهت تعقیب منافع ملی گام برداشته، در عرصه بین‌المللی با چنین رویکردی تداوم یافته و تا حدود زیادی موفق عمل کرده است.

واژگان اصلی: موقعیت ژئوپلیتیک؛ تحول ژئوپلیتیک؛ انقلاب اسلامی؛ جغرافیای جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران.

۱. دکتری علوم سیاسی مسائل ایران، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
saeedjahangiri61@yahoo.com
۲. عضو هیأت علمی دانشگاه پیام‌نور، استان البرز، ایران
nasergarousi@gmail.com
۳. دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان
khaleghinezhad.m@gmail.com

مقدمه

امروزه، هر حوزه منطقه‌ای قواعد رفتاری ویژه‌ای داشته و کشورهای منطقه‌ای، قدرتهای بزرگ و هم‌چنین جمهوری اسلامی ایران نقشهای منطقه‌ای منحصر به فردی را در هر سامانه تابع منطقه‌ای ایفا می‌کنند (محمدی، ۱۳۸۴: ۴۸). محیط امنیتی هر جامعه‌ای، تابع و برابندی از تعامل و تقابل متغیرهای محیط داخلی و محیط خارجی آن است. بر این اساس، محیط امنیتی ایران به اقتضای طبیعت و هویت انقلابی - ایدئولوژیک و از جهت تاریخی، فرهنگی و قومی به سبب موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آسیب‌پذیر و حساس است (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۱).

موقعیت ژئوپلیتیک ایران در ساختار فضایی ژئوپلیتیک جهانی همراه با دارابودن شناسه‌های ژئوپلیتیک مؤثر و خیلی قوی در داخل کشورهای همسایه و منطقه غرب آسیا به‌گونه‌ای است که قدرتهای جهانی و نیز کشورهای هم‌منطقه با ایران را نسبت به تغییر در وزن ژئوپلیتیک و تحولات داخلی و خارجی خود بسیار حساس کرده است؛ زیرا در بسیاری از موارد منافع ملی کشورهای منطقه و منافع بازیگران داخلی کشورهای منطقه در ارتباط مستقیم با شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران و تصمیمات رأس نظام سیاسی ایران قرار دارد. در سطح جهانی اهمیت موقعیت ژئوپلیتیک ایران به‌گونه‌ای تشریح شده است که آن را هارتلند ژئوپلیتیک قرن بیست‌ویکم و در قلب منطقه بیضی‌شکل انرژی راهبردی قرار داده است به‌طوری که هرگونه تغییری در وضعیت ژئوپلیتیک ایران، شرایط ژئوپلیتیک کشورهای منطقه غرب آسیا را بر هم می‌زند و در سطح جهانی تغییرات و پیامدهای ژئواستراتژیک برجای می‌گذارد.

گذشته از این موارد، ملت ایران نیز با سابقه ۲۵۰۰ ساله حضور در فلات ایران و دارابودن ذهنیت تاریخی پر رنگ از حکومت - ملت بودن، همیشه در تکاپوی ارتقای منزلت و جایگاه خود در سلسله‌مراتب ساختار ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای بوده است به‌طوری که اولین تلاشهای ایجاد ساختار دموکراتیک نظام سیاسی را در اوایل قرن بیستم (۱۹۰۶م.) در قالب انقلاب مشروطه و اولین انقلابهای اسلامخواهی را در قالب انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹م. خیلی جلوتر از دیگر ملت‌های منطقه به ثمر رسانده که نتیجه آن بروز تغییر و تحولات اساسی در ساختار و موقعیت ژئوپلیتیک کشورهای منطقه غرب آسیا بوده است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه به اهمیت موقعیت ژئوپلیتیک ایران در نظام جهانی و بین کشورهای منطقه و تغییر و تحولات زیادی که موقعیت ژئوپلیتیک ایران طی دهه‌های گذشته با آن روبه‌رو بوده، در این مقاله سعی شده است، ضمن تشریح و بررسی روند تحولات ژئوپلیتیک کشور ایران، عوامل مؤثر بر این تغییر و تحولات تبیین شود.

سؤال تحقیق

چرا موقعیت ژئوپلیتیک ایران همواره برای قدرتهای بزرگ اهمیت داشته است؟

روش تحقیق

در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع مورد بررسی، از روش توصیفی - تحلیلی بهره گرفته شده و در آن سعی شده است با استفاده از منابع کتابخانه‌ای (اعم از کتاب، مقاله و دیگر منابع مکتوب فیزیکی و مجازی) برای استدلالهای پژوهش، توجیه قانع‌کننده‌ای آورده شود.

اهداف تحقیق

۱. مشخص کردن موقعیت جغرافیای سیاسی ایران در عرصه جهانی
۲. تأثیر موقعیت جغرافیای سیاسی ایران در جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران

مبانی نظری

ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک یعنی توجیه و تفهیم موضوعات مربوط به سیاست با توجه به داده‌های جغرافیایی؛ هم‌چنین ژئوپلیتیک دانشی است که انسانیت را در داخل روابط متقابل با عامل مکان مورد بررسی قرار می‌دهد.

ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی یا جغراسیاست به یونانی (Γη+Πολιτική) از «ژئو» به معنای زمین و «پلیتیک» به معنای سیاست تشکیل شده است. ژئوپلیتیک شاخه‌ای است از جغرافیای سیاسی و به آن بخش از معرفت بشر اطلاق می‌شود که به معلومات ناشی از ارتباط بین جغرافیا و سیاست مربوط می‌شود. این شاخه علمی از زمان وضع آن، طی یک قرن گذشته از نظر مفهومی و فلسفی دچار شناوری و گاهی رکود بوده است و همانند برخی رشته‌های

علمی دیگر هنوز بر سر موضوع و ماهیت آن اتفاق نظر وجود ندارد. تعاریف متعددی از واژه ژئوپلیتیک از سوی علمای علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و جغرافیا صورت پذیرفته است. گاهی اوقات در بعضی تعاریف، ژئوپلیتیک معادل جغرافیای سیاسی خوانده شده است؛ اما بیشتر دانشمندان ژئوپلیتیک قائل به جدایی حوزه‌های ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی هستند (صفوی، ۱۳۸۸: ۵۳).

دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، ژئوپلیتیک یا جغرافیای سیاسی را بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر رفتار دولتها می‌داند. اینکه چگونه موقعیت مکانی، اقلیم، منابع طبیعی، جمعیت و یک تکه زمینی که دولت روی آن قرار گرفته است، گزینه‌های سیاست خارجی دولت و جایگاه آن را در سلسله‌مراتب دولتها تعیین می‌کند. حسین بشیریه موضوع ژئوپلیتیک را مطالعه مبانی جغرافیایی قدرت دولتها می‌داند. نقش ویژگی‌های سرزمین، آب و هوا، منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی، ویژگی‌های جمعیتی و فرهنگی بر شکل و عملکرد نظام سیاسی، مورد بحث این شاخه از دانش سیاسی است (محمدی، ۱۳۸۴: ۷۲).

به‌علاوه چون هر یک از دولتها بخشی از فضای جغرافیایی - سیاسی جهان را تشکیل می‌دهند، بحث از روابط بین‌الملل از این دیدگاه خاص نیز مطرح می‌شود. ادmond والش^۱ به‌عنوان یک دانشمند سیاسی تعریفی بر مبنای عدالت بین‌المللی ارائه کرده و معتقد است ژئوپلیتیک، مطالعه مرکب از جغرافیای انسانی و علم سیاسی کاربردی است که تاریخ آن به دوران ارسطو، منتسکیو و کانت^۲ باز می‌گردد.

در سیاست جغرافیایی یا ژئوپلیتیک، نقش عوامل محیط جغرافیایی بر روابط کشورها در نظر گرفته می‌شود. بدون تردید یکی از متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری خط‌مشی سیاست خارجی و هم‌چنین مباحث راهبردی و سیاست دفاعی هر کشور، محیط منطقه‌ای و ابعاد مختلف آن است. امروزه نقش هر کشور در سیاست جهانی تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیک آن است؛ به‌گونه‌ای که از دیدگاه جغرافیدانان سیاسی، قدرت هر کشور به‌شدت از ژئوپلیتیک و موقعیت جغرافیایی آن تأثیر می‌پذیرد. ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی آن، وضعیت

1. Edmund Walsh
2. Montesquieu.Immanuel Kant, Aristotle

ژئوپلیتیک منحصر به فردی را دارا است. این موقعیت، ایران را به کشوری بین‌المللی تبدیل کرده است که همواره در معادلات جهانی نقش برجسته‌ای به آن می‌دهد. موقعیت ژئوپلیتیک ایران با انزوگرایی سازگار نیست و نوعی سیاست خارجی برون‌گرا و فعال را به سیاستگذاران توصیه می‌کند (خلیلی، ۱۳۹۰: ۹۰ - ۸۹). موقعیت خاص ایران، همواره بستر مناسبی را برای ایجاد تنش‌های سیاسی و نظامی و به مخاطره‌افتادن امنیت ملی آن فراهم آورده است. در گذشته، ژئوپلیتیک ایران به سبب عواملی مانند منابع خام یا موقعیت گذرگاهی مورد توجه قرار می‌گرفت؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه، ایران که یکی از متحدان امریکا و غرب در منطقه بود به نیرومندترین دشمن آنها در منطقه تبدیل شد و منافع آنها را آماج حملات تبلیغی خود قرار داد؛ از این‌رو، غرب از جانب ابعاد جدیدی از ژئوپلیتیک ایران احساس خطر می‌کند (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۱). یکی از مهمترین این موارد، عوامل اعتقادی و ایدئولوژیک و در رأس آن ژئوپلیتیک اسلامی - شیعی است. ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در مرکز جهان اسلام و در قلب جهان تشیع واقع شده است که در ترکیب با عوامل و عناصر ژئوپلیتیک مهم دیگری چون ژئوپلیتیک انرژی، دسترسی و سلطه، موقعیت ژئوپلیتیک بسیار حساس را در خود می‌بیند. این موقعیت باعث شده است تا تحولات ایران در مرکز توجهات قدرتهای جهانی و کشورهای منطقه باشد (آیین، ۱۳۸۸: ۷۲).

جمهوری اسلامی ایران از سه بعد «ژئوپلیتیک»، «انرژی» و «فرهنگی - ایدئولوژیک»، ظرفیت و توانایی تأثیرگذاری بر نظام بین‌المللی را دارد. افزون بر آن، ایران، خود زمانی تشکیل‌دهنده نظم بین‌المللی بوده است. از نظر ژئوپلیتیک، موقعیت جغرافیایی ایران به‌گونه‌ای است که در همسایگی قدرتهای مهمی چون روسیه و حوزه نفوذ امریکا (جنوب خلیج فارس) قرار دارد. قرار گرفتن در مناطقی که قدرتهای بزرگ، منافع حیاتی برای خود قائل هستند به‌طور طبیعی، جایگاه کشور را در تعامل میان قدرتهای بزرگ افزایش می‌دهد. از نظر اقتصادی شاهراه‌های بزرگ تجاری جهان در دریا و خشکی یا از ایران یا از نزدیکی ایران می‌گذرد و بر این اساس، ایران با پانزده کشور همسایه مرز آبی و خاکی دارد؛ ضمن اینکه با برخورداری از بخش قابل توجهی از انرژی جهان، داشتن تسلط ژئوپلیتیک بر بیش از نیمی از ذخایر انرژی دنیا در منطقه خلیج فارس، جایگاه مهم در میان کشورهای صادرکننده نفت (آپک) و نهایتاً نقش بالقوه ایران در تأمین امنیت اقتصادی و انرژی به‌عنوان سوخت سیاست

در جهان برجستگی خاصی دارد. به دلیل اهمیت و حساسیت این موقعیت ژئوپلیتیک است که قدرتهای بزرگ، مانع تقویت و نقش آفرینی ایرانی ناهماهنگ با نظام بین‌المللی {استکباری} هستند (ایزدی، ۱۳۹۰: ۴۸ - ۴۷).

تحولات ژئوپلیتیک در ایران

نقش اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک، بسیار مهم است؛ زیرا اندیشه‌ها هستند که اهداف را تعیین می‌کنند. همان‌گونه که داده‌های مادی، انتخاب راهبرد مناسب را امکانپذیر می‌سازد (واعظی، ۱۳۸۵: ۲۹ - ۳۰). در چهار دهه گذشته، مهمترین عامل تأثیرگذار در تحول موقعیت ژئوپلیتیک ایران، که مبنای تعاملات ایران با قدرتهای جهانی و منطقه‌ای را شکل داده، همین اندیشه‌های ایدئولوژیک مردم و حکومت ایران در قالب ایدئولوژی {انقلاب} اسلامی - شیعی است. اهداف حکومت ایران بر پایه همین اندیشه تعریف شده و همواره از داده‌های مادی خود همچون ژئوپلیتیک انرژی و دسترسی و دیگر توان ملی خود در راستای رسیدن به اهداف اعتقادی و ایدئولوژیک خود بهره برده و متقابلاً از همین عوامل نیز تأثیر پذیرفته است. تحول ژئوپلیتیک، بروز تغییر و دگرگونی در الگوها، نظم‌ها و ساختارهای ژئوپلیتیک است. تحول ژئوپلیتیک ماهیتی پویا و فعال دارد و عمدتاً در اثر تحول در وزن ژئوپلیتیک و ساختار و کارکرد عوامل و متغیرهای مؤثر در قدرت ملی و جمعی پدید می‌آید (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۴). برای فهم تحولات و رقابتهای ژئوپلیتیک علاوه بر منافع و ادعاها، ضروری است علل آنها و نیز اندیشه‌های نقش‌آفرینان اصلی از جمله سران، شخصیت‌های با نفوذ و نهادهای تصمیم‌گیرنده در حکومتها، رهبران و افراد کلیدی جنبش‌های منطقه‌گرا، خودمختاری طلب و استقلال طلب را نیز درک کرد.

اگر مروری بر صفحات تاریخ دو هزار و پانصد ساله ایران شود مشخص خواهد شد، سرچشمه بسیاری از گرفتاریها، جنگها و حتی تحمیلات سیاسی وارد شده به این مملکت به موقعیت جغرافیایی ایران مربوط است که در بسیاری از مواقع به علت اهمیت سوق‌الجیشی (ژئوپلیتیک) آن مورد تجاوز ممالک همسایه واقع می‌شده است. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که سرعت راهیابی تمدن جدید در زندگی مردم ایران و توسعه و پیشرفت امور تجاری هم معلول موقعیت جغرافیایی این مملکت بوده است (میرحیدر، ۱۳۸۹: ۲۳) به طوری که یکصد و پنچ سال پیش، جلوتر از تمام ملت‌های شرقی، انقلاب دموکراسی خواهانه

مشروطه را به ثمر رساندند که خود زمینه‌ساز اولین تحول ژئوپلیتیک در تاریخ معاصر ایران یعنی فروپاشی سلسله قاجاریه و تأسیس سلسله پهلوی اول به دست رضاشاه شد. در زمان رضاشاه، ایران از موقعیت ژئوپلیتیک سنتی تحت سلطه روسیه و بریتانیا در شمال و جنوب کشور خارج شد و به‌طور موقت بازیگر سوم یعنی کشور آلمان را به بازی گرفت که در آخر با وقوع جنگ دوم جهانی و شکست هیتلر به وضعیت ژئوپلیتیک تک‌متغیره همراه با نفوذ کامل امریکا در ایران تبدیل شد. ایران در قالب پیمان سنتو در موقعیت حائل بین اتحاد جماهیر شوروی و قدرتهای غربی در جبهه غرب قرار گرفت. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی رحمت‌الله علیه، موقعیت ژئوپلیتیک ایران بار دیگر در قالب نوعی بیطرفی فعال نسبت به دو ابر قدرت امریکا و شوروی قرار گرفت. در این شرایط، ضمن دوره گذار سال اول انقلاب با وقوع هشت سال جنگ تحمیلی از جانب رژیم بعث عراق علیه ایران، موقعیت ژئوپلیتیک ایران در ضدیت با غرب و پیشبرد اهداف ایدئولوژیک دفاع از منافع مسلمین جهان و منطقه غرب آسیا به‌ویژه دفاع از حق ملت مظلوم فلسطین در برابر رژیم صهیونیستی شکل گرفت.

جایگاه ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک

نظریه ساختار ژئوپلیتیک جهان، ایران را بخش مهم منطقه خرد شده غرب آسیا می‌داند که می‌تواند منشأ تحول باشد. از نظر هانتینگتن، ایران مرکز تمدن اسلامی است. مجتهدزاده، ایران را هارتلند جدیدی در ژئوپلیتیک پست مدرن تصور می‌کند و فولر از آن به‌عنوان قبله عالم یاد می‌کند. برژینسکی نیز با توجه دادن دولت‌مردان امریکا به ران، راهکارهای منطقی را به آنها پیشنهاد می‌کند. از نظر اریک ریت ایران به‌عنوان یک عامل مهم تأثیرگذار در جهان اسلام و آسیای مرکزی باقی خواهد ماند (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۲۵). نظریه‌پردازان معروف در اندیشه‌های خود موقعیت ایران را نادیده نگرفته و نقش بی‌نظیر این کشور را در تأثیرگذاری بر مسائل مختلف جهانی مطرح کرده‌اند. مکیندر^۱، ایران را به دو بخش تقسیم می‌کند؛ از ارتفاعات البرز به سمت شمال را جزء هارتلند یا قلب زمین و از البرز به سمت جنوب را جزء هلال داخلی می‌داند آلفرد ماهان^۲ در نظریه قدرت دریایی برای ایران موقعیت گذرگاهی

1. Mackinder
2. Alfred Mahan

قائل بود که در مسیر دسترسی قدرت بری (زمینی) روسیه به اقیانوسهای جهان قرار دارد. ایران در نظریه نیکلاس اسپایکمن^۱، بخش مهمی از منطقه ریملند به حساب آمده و به همین دلیل، موضوع رقابت دو قدرت بری (زمینی) و بحری قرار گرفته است.

جایگاه و اهمیت ژئوپلیتیک ایران قبل از انقلاب اسلامی

ایران پس از جنگ دوم جهانی در چارچوب منافع امریکا و غرب و با هدف مهار شوروی، اهمیتی ژئواستراتژیک یافت و همین امر، منشأ سیاستهای امریکا در برابر ایران و حتی طراحی کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ شمسی با مشارکت انگلیس برای برکناری دولت مصدق بود. ترومن^۲ نیز بر همین اساس، «نظریه دربرگیری» خود را، شامل تصمیم امریکا به دفاع از منافع راهبردی خود و هم پیمانانش در برابر تهدیدات و مطامع اتحاد شوروی اعلام کرد (درودیان، ۱۳۸۲: ۱۵۱). موقعیت ژئوپلیتیک ایران تا قبل از انقلاب اسلامی با تأکید بر متغیرهای سنتی مورد ارزیابی قرار می‌گرفت و همین متغیرها باعث جلب توجه کشورهای غربی به‌ویژه امریکا به ایران شده بود. هر یک از کشورهای غربی اهداف خاصی را در ژئوپلیتیک ایران دنبال می‌کردند؛ از جمله می‌توان به توجه آنها به موقعیت گذرگاهی ایران و بازار مصرفی قابل توجه در ایران با توجه به متغیر جمعیت، منابع خام و نفتی ایران، اشاره کرد. از نظر آنها، ثبات و امنیت در گرو امنیت ملی ایران بود (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۳). با خروج نیروهای نظامی انگلستان از منطقه خلیج فارس در سال ۱۳۵۰ شمسی (۱۹۷۱ میلادی)، امریکا حفظ امنیت منافع غرب را در این منطقه عهده‌دار شد. امریکا این وظیفه حراست از منافع غرب را در ابتدا براساس دکترین نیکسون - کسینجر با انتخاب شاه ایران به‌عنوان ژاندارم منطقه به انجام رسانید (الهی، ۱۳۸۶: ۲۹۱). امریکایی‌ها معتقد بودند، بی‌ثباتی و بروز ناآرامی در منطقه باعث نفوذ شوروی می‌شود که از جمله آثار آن به خطراتادن امنیت متحدان و نهایتاً امنیت خود آنها خواهد بود؛ به همین منظور، سنتو (سازمان پیمان مرکزی) را در ۲۱ اوت ۱۹۵۹ میلادی به‌عنوان جانشین "پیمان بغداد" به وجود آوردند (آذری‌نجف‌آبادی، ۱۳۹۰: ۷۰۷ - ۷۰۸). در واقع سیاست امریکا بعد از گرفتاری جنگ ویتنام بر این مدار قرار گرفت که قدرتهای منطقه‌ای خاصی را تعیین و سازماندهی کند تا در چهارچوب سیاستهای امریکا و

1. Nicolas Spykman
2. Truman

غرب عمل کنند؛ از این حیث حکومت شاه ایران برای اهداف و نیات امریکا در خلیج فارس، مناسب بود. از آنجا که دادن امکان مانورهای نظامی برای شاه به‌عنوان ژاندارم منطقه مستلزم تقویت قدرت نظامی بود، در سال ۱۹۷۲ میلادی (یک سال پس از خروج انگلیس) یک سوم بودجه کشور صرف خرید سلاح شد و ایران در مجموع، بیش از یک سوم اسلحه مورد معامله جهان سوم را خریداری کرد و به دنبال شوک نفتی و افزایش درآمدهای نفت، قرارداد ۲۵۰۰ میلیون دلاری خرید اسلحه از امریکا و خرید تانکهای مدرن چیفتن از انگلیس، منعقد و پایگاه‌های متعددی ایجاد و مأموریت‌های برون‌مرزی به ارتش ایران واگذار شد. موقعیت جغرافیای ایران در ریملند و در نازکترین جدار حصار امنیتی و بازدارندگی امریکا به دور شوروی به‌عنوان رقیب در حال بسط و گسترش خویش، باعث شده بود که کشور ایران بخش مرکزی کمربند امنیتی پیرامون شوروی را در حاشیه جنوبی آن کشور تشکیل دهد. این کمربند به ابتکار امریکا و شامل کشورهای ترکیه، ایران و پاکستان تحت عنوان پیمان «سنتو» در چهارچوب سیاست کانتین منت امریکا تشکیل شده بود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۶۶ - ۶۷). بهانه ژاندارمی منطقه باعث شده بود که ایران، قبرستان صنایع و کارخانه‌های وابسته و زرادخانه تسلیحات نظامی شود. ایران در دهه ۱۳۵۰ شمسی، سلاحها و تسلیحاتی داشت که حتی برای ارتش امریکا نیز گران تشخیص داده می‌شد. از لحاظ اقتصادی در فاصله سالهای ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۰ شمسی، دولت ایران با اتکا به رانت نفت، برنامه بلندپروازانه‌ای را برای نوسازی و صنعتی‌کردن کشور دنبال کرد. در نیمه دوم دهه ۴۰ شمسی، مشکلات اقتصادی و سیاسی الگوی توسعه نفت‌محور به‌مرور پدیدار شده بود؛ اما، از ۱۳۵۰ شمسی به بعد با افزایش سریع قیمت نفت، این مشکلات مانند یک غده سرطانی بدخیم در کل نظام اقتصادی و سیاسی کشور گسترده شد و به‌سرعت کشور را درون بحران اقتصادی و سیاسی سرنوشت‌سازی فرو برد که نهایتاً، به فروپاشی نظام سیاسی کشور در دهه ۷۰ میلادی انجامید (زمانی، ۲۰۰۸: ۷۲).

شکل‌گیری دوران ژئوپلیتیک دو قطبی در جهان، بعد از جنگ دوم جهانی و از زمان عقب‌نشینی نیروهای شوروی از آذربایجان ایران بوده است و بعد از دستیابی اتحاد شوروی در سال ۱۹۴۹ میلادی به بمب اتم و شروع جنگ کُره در سال ۱۹۵۰ میلادی به‌طور رسمی آغاز شد.

صدور انقلاب

راهبرد ژئوپلیتیک صدور انقلاب اسلامی

صدور انقلاب اسلامی، بنیادی‌ترین راهبرد ژئوپلیتیک بعد از انقلاب بوده که به برانگیختن حساسیتهای زیادی بین کشورهای منطقه‌ای و قدرتهای جهانی منجر شده است. محتوا و اصول این راهبرد را می‌توان در بیانات اوایل انقلاب حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه یافت:

«ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله‌الاله و محمد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۱۳۸).
هم‌چنین ایشان با هشدار به کسانی که مخالف صدور انقلاب بودند این چنین فرمودند:
«ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی‌کنیم، کنار بگذاریم؛ زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی قائل نمی‌باشد و پشتیبان تمام مستضعفین جهان است. از طرفی دیگر تمام قدرتها و ابرقدرتها کمر به نابودیمان بسته‌اند و اگر ما در محیطی در بسته بمانیم قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۲۰۲).

از انقلاب تا پسا انقلاب

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سرآغاز تحقق وعده الهی برای رهایی مستضعفان بود. این انقلاب همچون مشعل فروزانی راه رهایی ملت‌ها را از قید و بند استکبار جهانی روشن کرد و به گفته شهید والامقام محمد جواد باهنر:

تجدید حیات جوامع اسلامی و رشد روزافزون معنویت و بیداری ملت‌های تحت ستم در سایه پیروزی انقلاب اسلامی باعث شد تا ماشین جنگ روانی غرب با تمام قدرت و توان خویش پروسه مخدوش‌سازی چهره انقلاب اسلامی را با شیوه‌ها و ابزارهای مختلف به کار بندد تا در ارزشهای اسلامی و امکان اجرای آنها در قرن بیستم شک و تردید ایجاد کند. یکی از توطئه‌های استعماری آنان تحریف و وارونه جلوه‌دادن صدور انقلاب بود؛ به گونه‌ای که هدف از صدور انقلاب را که دعوت به اسلام بود به معنای تجاوز به سرزمین دیگران و جنگ و زورگیری معرفی کردند. حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در مقام تبیین معنا و مفهوم

صدور انقلاب اسلامی تصریح می‌کنند:

«ما که می‌گوییم اسلام را می‌خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر. یک همچون چیزی نه ما گفتیم و نه ما می‌توانیم. اما آنکه ما می‌توانیم این است که می‌توانیم به وسیله دستگاه‌هایی که داریم به وسیله همین صداوسیما به وسیله مطبوعات به وسیله گروه‌هایی که به خارج می‌روند اسلام را آن طوری که هست معرفی کنیم. اگر آن طوری که هست معرفی بشود مورد قبول همه خواهد بود» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۶۰ - ۶۱).

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، که نتیجه آن براندازی رژیم شاهنشاهی و استقرار جمهوری اسلامی بود، تعادل سیاسی منطقه غرب آسیا را، که عمدتاً به سود مستبدان و ابرقدرتها بود برهم زد و نظر به اهمیت فوق‌العاده منطقه خلیج فارس، برهم‌خوردن تعادل قوا در این منطقه، نظام بین‌المللی را نیز به‌طور چشمگیری تحت تأثیر قرار داد و منافع عمدتاً ناحق آنها را تهدید کرد (حشمت‌زاده، ۱۳۷۹: ۷۰). ایران پس از انقلاب سال ۱۹۷۹ میلادی به دشمن امریکا تبدیل شده بود؛ در حالی که، رژیم جدید به دامن اتحاد جماهیر شوروی نیفتاد، رفتار پیش‌بینی‌ناپذیر و شعارهای خشن آن کشور توازن قدرت را در منطقه تغییر داد و امریکا و متحدان آن اکنون از این نگران بودند که با ایران و شوروی رو در رو قرار بگیرند (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۰۳). پیروزی انقلاب اسلامی یک مکتب ایدئولوژیک دیگر مخالف با ایدئولوژی مادیگرایی غرب را به موازات ایدئولوژی فرسوده کمونیسم اتحاد جماهیر شوروی در مقابل ابرقدرتهای غربی قرار داد که با دارابودن زمینه‌های فرهنگی قوی در ملل مسلمان جهان و منطقه حساس غرب آسیا و برخورداری از ارزشهای ناب اسلامی، مبارزه‌طلبی خود را با ارزشهای مادی غرب اعلام کرد (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۴۴).

جغرافیای سیاسی و اوج جنگ سرد

در واقع بعد از اشغال افغانستان توسط شوروی، امریکا در سطح معادلات بین‌المللی و منطقه‌ای در برابر رقیب خود در دوران جنگ سرد، دچار چالشهای اساسی شد. به همین دلیل، نیروهای واکنش سریع را تشکیل داد و در منطقه خلیج فارس و جنوب غربی آسیا فرماندهی مرکزی به وجود آورد تا مسئولیت بحران در این منطقه از حیثه عملکرد دیگر ستادهای فرماندهی منطقه‌ای اقیانوس آرام، اقیانوس اطلس و اروپا بیرون کشیده شود (درویدیان، ۱۳۸۲:

(۲۴۱). در واقع با سقوط شاه، ستون اصلی سیاست امریکا در منطقه فروریخت و در نتیجه، ساختار امنیت منطقه‌ای را در حوزه‌های مشترک‌المنافع با امریکا دگرگون کرد و امریکا را واداشت تا راهبرد منطقه‌ای خود را دوباره ارزیابی کند (درودیان، ۱۳۸۲: ۲۰۵).

تصرف سفارت امریکا در تهران (و به‌وجود آمدن بحران گروگانگیری و حوادث صحرای طبس) و به دنبال آن تحریم‌های ایران از جانب امریکا را می‌توان مهمترین رویارویی جدی میان دو کشور پس از سقوط شاه قلمداد کرد (علومی، ۱۳۸۷: ۹۸). بعد از این حوادث بتدریج ایران از نظر سیاسی {به‌زعم دیگران} منزوی شد و در حالت بحران داخلی و نظامی به سر برد. در ماه‌های پیش از آغاز جنگ تحمیلی نیز، ایران از نظر بین‌المللی و منطقه‌ای منزوی {تلقی} شده بود؛ چرا که (همان‌طور که بیان شد) از سال ۱۹۷۹ میلادی، ۵۲ امریکایی را به گروگان گرفته و از سوی غرب طرد شده بود. همچنین، با شوروی نیز روابط گرمی نداشت؛ زیرا، جنگ شوروی در افغانستان را تهدیدی برای امنیت منطقه می‌دانست و افزون بر آن، کمونیسم را، که وجود خدا را منکر بود، تهدیدی جدی برای اسلام تلقی می‌کرد و از مقاومت افغانها در مقابل شوروی حمایت می‌کرد (خرمی، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

در ابعاد منطقه‌ای به دلیل تعارض ایدئولوژیک انقلاب اسلامی با ایدئولوژی و منافع برخی از حکومتها و رهبران کشورهای منطقه و ایدئولوژی و منافع قدرتهای جهانی، انقلاب اسلامی در انزوای نسبی قرار گرفت. به قدرت رسیدن حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در ایران تغییری اساسی در فضای سیاسی خلیج فارس ایجاد کرده بود. در این باره می‌توان به دو دلیل عمده اشاره کرد: اولین و عمومی‌ترین دلیل اینکه {حکومت} اسلامی با زیر سؤال بردن مشروعیت حاکمان سنتی و نیز مشروعیت رژیم بعث عراق، وضعیت موجود را به چالش کشید. جهان‌بینی حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه با مفهوم دولت ملی یا سرزمینی ناسازگار بود. مبانی این جهان‌بینی یکی اعتقاد به پابندی دولتهای کشورهای مسلمان به اصول اسلام به‌عنوان شرط مشروعیت آنها و دیگری تفسیر {فقهی} و غیرمتمعارف ایشان درباره «ولایت فقیه» بود. دومین دلیل نیز این بود که جاذبه بالقوه حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه نزد شیعیان خلیج فارس تهدیدی علیه رژیم بعث عراق (و دیگر دولت‌های حوزه خلیج فارس با جمعیت شیعه زیاد نظیر کویت، بحرین، یمن جنوبی و عربستان) بود. اگرچه، انقلاب ایران موضوع فرقه‌گرایی را کم اهمیت جلوه می‌داد، پیروزی انقلاب ایران، پیروزی اسلام شیعه در

سراسر منطقه بود. شیعیان اعم از شیعیانی که در اکثریت بودند، مثل عراق یا بحرین و شیعیانی که در اقلیت بودند، مثل کویت از محرومیت سیاسی و اقتصادی رنج می‌بردند (الهی، ۱۳۸۶: ۱۵۴). اینها به رغم دارا بودن اکثریت جمعیتی، توسط حکمرانانی غیرشیعی رهبری می‌شدند که اغلب دنبال حمایت از منافع جوامع هم منفعت خود، یعنی اهل سنت بودند و به هیچ وجه حاضر به برقراری روابط رایج و عادی با رهبران شیعی ایران نبودند و در هماهنگی با قدرتهای غربی از این جهت هزینه‌های مضاعفی را به نهادهای سیاسی و اقتصادی ایران تحمیل می‌کردند.

در واقع در دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت نظام بین‌المللی و سامانه دوقطبی، رفتار مستقل برای کشورهای منطقه غرب آسیا بسیار دشوار و پرهزینه بوده است خروج ایران از محور غرب و تعارض ایدئولوژیکی اساسی حکومت انقلابی ایران با اتحاد جماهیر شوروی باعث شد تا موقعیت ژئوپلیتیک ایران در نظام جهانی به سرعت تنزل یابد و سرانجام اوضاع بین‌المللی و محیط منطقه‌ای و درکی که عراقی‌ها از وضعیت سیاسی - نظامی و اجتماعی ایران داشتند و نیز اعتقاد عراقی‌ها به توانمندی نظامی خود در برابر ایران، سبب شد، راهبرد عراق با هدف کسب پیروزی سریع بر پایه «جنگ محدود و برق آسا» (علیه ایران) طرحریزی شود. موضعگیری و رفتار امریکایی‌ها در برابر ایران از جمله «عملیات طمس» و «طرحریزی کودتای نقاب» برای عراق این معنا و مفهوم را در برداشت که امریکایی‌ها در پی «براندازی نظامی جمهوری اسلامی» هستند و لازمه تحقق این امر، واردکردن شوک نظامی است که با حمله ارتش بعثی عراق انجام می‌گرفت (درودیان، ۱۳۷۸: ۲۲ - ۲۳).

موقعیت ایران بعد از جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق

موقعیت ژئوپلیتیک ایران در جنگ تحمیلی بین کشورهای غرب آسیا را می‌توان این‌گونه تشریح کرد که برخی از حکومت‌هایی که با شاه روابط نزدیکی داشتند و یا اساساً نمی‌توانستند در خارج از چارچوب سیاست امریکا و ملی‌گرایی عربی عمل کنند، ایران را نه در قالب کشوری اسلامی بلکه به‌طور سنتی در قالب فارس و شیعه می‌دیدند که با اعراب و اهل تسنن دشمنی دارد. کشورهای عرب خلیج فارس براساس چنین نگاهی، دشمنی سنگینی را با جمهوری اسلامی ایران شروع کردند و با امریکا و حکومت عراق هماهنگ شدند (صفوی، ۱۳۸۸: ۴۱). در واقع، پس از انقلاب ایران، روابط شش دولت عرب و ایران شاهد تحولات

شدید و ناگهانی شد که دلیل آن، تهدید اعمال شده بر ثبات منطقه و امنیت داخلی این کشورها و هم‌چنین یک سلسله بیانات مقامات و روحانیان - از جمله [امام] خمینی رحمت‌الله‌علیه و بنی‌صدر - رژیم ایران در غلبه بر رژیمهای پادشاهی خلیج فارس بود. بنیادگرایی شیعی حکومت [امام] خمینی خطر آشکاری برای ترکیه نیز بود. کشوری که حدود ده میلیون نفر شیعه داشت. در واقع، [امام] خمینی پس از پیروزی بلافاصله اعلام کرد که رژیم ترکیه به زور سرنیزه حکومت می‌کند و معتقد بود رهبران ترک نیز با سرنوشتی مشابه سرنوشت شاه روبه‌رو هستند. کمی پس از این اظهارات، ارتش ترکیه وارد عمل شد و کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی در ترکیه رخ داد. بنابراین، با وجود اینکه ترکیه طی جنگ، روابط سیاسی خود را با ایران و عراق حفظ کرد و حتی راه دسترسی ایران به غرب را نیز فراهم کرد، پیروزی نهایی رژیم بعث عراق نفع بیشتری برایش داشت؛ زیرا، جلوی گسترش نفوذ انقلاب ایران را می‌گرفت (خرمی، ۱۳۸۷: ۵۶). بعد از وقوع انقلاب اسلامی ساختار ترکیبات فضایی و روابط ژئوپلیتیک حاکم بر منطقه غرب آسیا به‌طور اساسی دگرگون شد و وقوع جنگ تحمیلی معادلات این ساختار را در منطقه به نسبت زیادی نهادینه کرد.

پس از صدور قطعنامه ۵۹۸ درباره ایران و عراق، که یکی از طولانی‌ترین و خونین‌ترین جنگهای پس از جنگ دوم جهانی به‌شمار می‌رود، این جنگ، صرف‌نظر از جنبه‌های گوناگون و چرایی آغاز آن در تاریخ دویست ساله ایران به این دلیل مهم است که توانست به روندی پایان دهد که از اول حکومت قاجاریه در محدودیت ارضی ایران و نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و... بیگانه در کشور آغاز شده بود (رحیمی، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

نقش امریکا پس از جنگ تحمیلی و تشکیل نیروهای واکنش سریع

امریکا با تجربه‌ای که از سقوط محمدرضا شاه پهلوی به دست آورده بود برای سلطه بر منطقه غرب آسیا، ضمن تقویت عربستان باید ترتیبی می‌داد که دیگر کشورهای منطقه به نوعی به‌عنوان پشتوانه عربستان تجلی کنند؛ بدین ترتیب، باید یک کمربند امنیتی از پاکستان تا مصر به وجود آید تا ضمن ایجاد یک پرده آهنین به دور انقلاب اسلامی، حمایت دولتهای منطقه را هنگام وقوع بحران برای عربستان تأمین کند. تقویت پاکستان، قدرت منطقه‌ای بازگرداندن مصر به جامعه عرب، تلاش در حل‌وفصل مسئله فلسطین - رژیم غاصب صهیونیستی و تشکیل شورای همکاری خلیج فارس که در مجموع باید انعقاد یک پیمان

دفاعی دسته جمعی را ممکن کند، در راستای به ثمر رساندن این سیاست بود. دستیابی به این هدف دقیقاً در راستای اجرای دکترین کسینجر - نیکسون بود که به کارگیری منابع محلی را تجویز می‌کرد (الهی، ۱۳۸۶: ۲۸۲).

کشورهای حوزه خلیج فارس تحت تأثیر احساس تهدید از سوی حکومت شیعه ایران و با آگاهی نسبت به ضعف راهبردی خود در مقابل قدرت سیاسی و نظامی ایران، احساس خطر، و با تشویق امریکا به تشکیل شورای همکاری خلیج فارس اقدام کردند. این شورا اولین اجلاس خود را در ماه مه ۱۹۸۱ میلادی تشکیل داد. این شورا در آغاز، صرفاً یک سازمان اقتصادی و سیاسی بود؛ ولی، ضمناً به سمت توسعه مناسبات نظامی و امنیتی میان اعضا نیز حرکت می‌کرد (ر. سیوتز، ۱۳۸۶: ۱۵۱) تا بتدریج وزن ژئوپلیتیک خود را در مقابل ایران افزایش دهد؛ به‌ویژه که امریکا هم از آنها حمایت سیاسی - نظامی می‌کرد.

شورای همکاری خلیج فارس طی جنگ تحمیلی علیه ایران از رژیم صدام حمایت بی‌دریغ کرد، به طوری که بندرهای کویت و حتی جزیره «بویان» عملاً در اختیار رژیم بعث عراق بود. عربستان و کویت هزینه‌های تسلیحاتی ارتش بعثی عراق را تأمین کردند که این کمکها تا سال ۱۳۶۴ شمسی رقمی معادل ۳۰ میلیارد دلار می‌شد. علاوه بر این، این دو کشور (عربستان و کویت) طی جنگ تحمیلی، روزانه حدود ۳۰۰ هزار بشکه نفت از جانب عراق به فروش می‌رساندند (الهی، ۱۳۸۶: ۴۳۴). تشکیل شورای همکاری خلیج فارس سیاستی بود که غرب به‌ویژه امریکا براساس زمینه‌های موجود در منطقه و تشدید احساس نگرانی برای حکام منطقه از ناحیه انقلاب اسلامی و تجاوز شوروی مطرح کرده بود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۷۰).

مسئله انتقال نیرو به‌منظور یورش سریع نظامی در مناطق مختلف جهان و به‌ویژه خلیج فارس برای حفظ منافع امریکا و غرب در سیاست دفاعی امریکا از دهه ۱۳۴۰ شمسی (دهه ۱۹۶۰ میلادی) مورد بحث بوده است. بحران انرژی سال ۱۳۵۲ شمسی (۱۹۷۳ میلادی) این موضوع را وارد مرحله جدی‌تری ساخت که تبلور آن را در فرمان شماره ۱۸ ریاست جمهوری می‌توان مشاهده کرد. وقایع بین‌المللی سالهای ۱۳۵۸ - ۱۳۵۹ شمسی (۱۹۷۹ - ۱۹۸۰ میلادی) زمینه کافی برای اقدام عملی در این زمینه را برای امریکایی‌ها ایجاد کرد. به دنبال این تحولات در ۱۱ اسفند ۱۳۵۸ شمسی (اول مارس ۱۹۸۰ میلادی) مرکز فرماندهی نیروهای واکنش سریع تحت فرماندهی آمادگی امریکا تأسیس شد. در دی ۱۳۶۱ شمسی

(ژانویه ۱۹۸۳ میلادی) نیروهای واکنش سریع از فرماندهی آمادگی جدا، و به مرکز فرماندهی امریکا تبدیل شد که مستقیماً به وزیر دفاع گزارش می‌دهد (الهی، ۱۳۸۶: ۲۹۷).

ایجاد جبهه پایداری عرب

جبهه پایداری عرب، الجبهه الصمود، (Steadfastness The Front of Arab) با شرکت کشورهای الجزایر، سوریه، لیبی، عراق، یمن جنوبی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) در اعتراض به روند سازش مصر و رژیم غاصب صهیونیستی تشکیل شد. روندی که در پی سفر انور سادات، رئیس‌جمهور وقت مصر به تل‌آویو در نوزدهم نوامبر ۱۹۷۷ میلادی آغاز شد. نخستین گام در پیدایش این جبهه به نشست سران عرب موسوم به Hard-Line در طرابلس باز می‌گردد که به ابتکار معمر قذافی، رهبر لیبی به‌منظور ایجاد هماهنگی در سیاستهای کشورهای خط مقدم برای مقابله با روند سازش و تسلیم دولت مصر از دوم تا پنجم دسامبر ۱۹۷۷ میلادی برگزار شد. طبق منشور این جبهه، کشورهای عراق، سوریه، الجزایر، لیبی، یمن جنوبی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) جبهه‌ای را تشکیل می‌دادند که هدف آن متحد کردن تمامی تلاشها و منابع نظامی، اقتصادی و سیاسی اعضای جبهه، ملت و توده‌های مبارز عرب به‌دلیل تداوم مبارزه برای آزادسازی سرزمین‌های اشغالی عربی و بازیابی حقوق مردم فلسطین در آزادسازی سرزمین غصب‌شده‌شان و تعیین حق سرنوشت آینده خود اعلام شد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۴۱). با آغاز جنگ رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی (۳۱ شهریور ۱۳۵۹ شمسی)، اعضای جبهه پایداری عرب مواضع مختلفی را اتخاذ کردند. الجزایر، یمن جنوبی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) با اعلام بیطرفی در جنگ از موضعگیری صریح در برابر جنگ رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران طفره رفتند؛ اما، سوریه آشکارا و لیبی با صراحت کمتر به حمایت از ایران برخاستند و حمله نظامی ارتش بعثی عراق را محکوم کردند. باوجود این موضعگیریهای متفاوت اعضا، سیاست و خط‌مشی اصلی جبهه پایداری عرب تحت تأثیر نفوذ سوریه، حمایت از جمهوری اسلامی ایران در مقابل عراق بود. سیاستی که کم‌وبیش تا پایان جنگ ادامه یافت. در همین چارچوب، جنبش در آغاز جنگ در مخالفت با عراق و اتحادیه عرب موضع حمایت از ایران را در پیش گرفت و آغاز جنگ توسط حکومت عراق را رسماً و علناً محکوم کرد (امیراحمدی، ۱۳۸۴: ۱۲۴).

در ابعاد جهانی، بعد از آزادسازی خرمشهر و اتخاذ راهبرد تنبیه متجاوز از سوی رهبران سیاسی - نظامی ایران و عبور نیروهای ایرانی از مرز بین‌المللی به دلیل سنگینی وزن ژئوپلیتیک ایران در صحنه نبرد، موقعیت ایران بین قدرتهای جهانی با {حساسیت بیشتری} همراه شد به طوری که اتحاد جماهیر شوروی نیز که در برابر تجاوز عراق بیطرفی و سیاست صبر و انتظار را پیشه کرده بود در مقابل ایران و به نفع رژیم بعث عراق اعلام موضع کرد. امریکا که بیشتر خط‌دهی و انسجام بخشیدن به رفتار بازیگران بین‌المللی را در پشتیبانی از رژیم بعث عراق به عهده داشت، تلاش شایانی صرف این مسئله کرد که ماشین جنگی ایران را، که شتاب فزاینده‌ای پیدا کرده بود، متوقف سازد (خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۶). فرانسه تحول جبهه‌ها را شدیداً به ضرر منافع خود ارزیابی کرد. به‌ویژه اینکه این کشور پس از شوروی دارای روابط گسترده تجاری و نظامی با عراق بود؛ اما، در این دوره موضع چین همچنان بر حمایت از صلح استوار بود. با توجه به تحول صحنه نبرد و سعی ایران برای ورود به داخل خاک عراق در مواضع این کشور تفاوت آشکاری نسبت به دوره اشغال سرزمین‌های ایران به دست ارتش عراق به چشم نمی‌خورد (اردستانی، ۱۳۸۸: ۱۲۰ - ۱۲۷). در سالهای ۱۹۸۳ - ۱۹۸۴ میلادی، شوروی از عراق حمایت می‌کرد؛ زیرا، حضور یک دولت قوی اسلامی را در مرزهای جنوبی تهدیدی برای جمهوریهای مسلمان‌نشین خود تلقی می‌کرد. مسکو در همین زمان ضمن عقد قرارداد فروش دو میلیارد دلار سلاح به عراق در عین حال می‌کوشید تا با فشار کره شمالی و دیگر کشورهای کمونیستی از فروش سلاح به ایران جلوگیری کند (درویشی، ۱۳۸۴: ۴۲).

زمانی که نیروهای ایران وارد خاک عراق شدند و دولت عراق به خطر افتاد، شوروی برای برقراری توازن در جنگ و جلوگیری از پیروزی ایران، کمک مالی و تسلیحاتی خود را به عراق از سر گرفت و در همان ابتدا، کمک ۱/۵ میلیارد دلاری در اختیار بغداد گذاشت. در ادامه این کمک‌ها، میگ‌های ۲۳ و ۲۵ و تانک‌های تی ۷۲ و موشک‌های زمین به زمین و زمین به هوا و سیل جنگ‌افزارهای مختلف روسی به عراق سرازیر شد و دو هزار مستشار شوروی برای تقویت روحیه ارتش عراق، که بسیار ضعیف شده بود به فعالیت پرداختند. رهبران شوروی آشکارا به این نتیجه رسیده بودند که پیروزی نظامی ایران ممکن است تهدید جدی برای توازن قوا در منطقه به‌شمار رود؛ بنابراین، تمام توان خود را برای جلوگیری از این امر به‌کار بردند (امیراحمدی، ۱۳۸۴: ۸۲).

در ابعاد محلی و در صحنه نبرد در سال اول جنگ به دلیل شکست‌های پی‌درپی نیروهای ایرانی در عملیات‌های آفندی نظیر نصر (ابوذر)، توکل و غیره و نیز شکاف‌های سیاسی در بدنه حکومت، پرستیژ و موقعیت ایران در سطوح مختلف منطقه‌ای و جهانی خیلی ضعیف می‌نمود؛ اما عملیات تأمن‌الائم به دلیل نقش اساسی که در تغییر روند جنگ به نفع جمهوری اسلامی داشت به میزان عمده‌ای تصور بازیگران بین‌المللی را درباره ایران تحت تأثیر قرار داد. امریکایی‌ها بخوبی می‌دانستند که پیروزی ایران می‌تواند همه چیز را در منطقه به ضرر امریکا به جریان بیندازد و دولت ایران را در موضع برتر در منطقه بنشانند و اعتماد به نفس مضاعفی در رویارویی دو کشور به ایران بدهد (صفوی، ۱۳۸۸: ۴۸ - ۴۸). اجرای عملیات والفجر ۸ و تصرف شبه جزیره فاو نیز تغییر محسوس در نگرش کشورهای خارجی و دو طرف جنگ پدید آورد؛ اما به معنای توافق با ایران نبود و آنها حاضر نبودند پس از این پیروزی به خواسته‌ها و حقوق ایران تن دهند. تأثیر دیگر فتح فاو ایجاد زمینه برای گفتگوهای سیاسی بود و امریکا از راه‌های سیاسی در صدد بازسازی روابط با جمهوری اسلامی ایران بر آمد (درویدیان، ۱۳۷۸: ۷۵ - ۷۴). در آن زمان با توجه به برتری ایران در صحنه جنگ، هر دو ابرقدرت منافع خود را در پایان دادن به جنگ می‌دیدند.

اگرچه در اواخر جنگ، لجستیک، ادوات و قدرت نظامی عراق از نیروهای ایران بیشتر شده بود، رژیم عراق به هیچ یک از اهداف اولیه خود در آغاز جنگ نرسید و با حمله عراق به کویت و شکست از نیروهای ائتلاف بین‌المللی به رهبری امریکا و تحمل تحریم‌های بین‌المللی تا اوایل سال ۲۰۰۳ میلادی به طور کامل روند تنزل موقعیت ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی خود را طی کرد. در مقابل، نظام اسلامی حاکم بر ایران به رهبری حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در قالب یک نظام سیاسی مردم‌سالار دینی، کاملاً نهادینه شده بود و سرتاسر دهه بعد از جنگ را به سازندگی و پیشرفت و توسعه گذراند؛ به طوری که در دهه اول قرن بیست و یکم میلادی از لحاظ قدرت ملی، پرستیژ ایدئولوژیک و وزن ژئوپلیتیک در سطح منطقه‌ای و جهانی از بالندگی فعال برخوردار بود (درویشی، ۱۳۸۴: ۱۲۵).

نتیجه گیری

موقعیت ژئوپلیتیک کشورها، همواره از مهمترین عوامل تأثیرگذار در سرنوشت ملت‌های آنها بوده است. در این میان ملت‌هایی موفق و سربلند از آزمایش تاریخ بیرون آمده‌اند. آنها از

طریق فراوری قدرت ملی خود، بیشترین استفاده و منفعت را از این موقعیت در راستای افزایش وزن ژئوپلیتیک و در نتیجه به گردش درآوردن عناصر ژئوپلیتیک پیرامون در مدارهای حوزه نفوذ خود با استفاده از ابزارهای گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و علمی - فناورانه به دست آورده‌اند. وزن ژئوپلیتیک که ضامن بقای این کشورها در موقعیت‌های حساس تاریخی خواهد پایان جنگ سرد، اهمیت ژئوپلیتیک و منطقه‌گرایی را در نظام بین‌الملل دوچندان کرده است؛ به طوری که، بسیاری از کشورها در سیاست خارجی خود، منطقه‌گرایی را به‌عنوان اصلی ثابت و اساسی به‌منظور تأمین منافع و امنیت ملی خود برگزیده‌اند. راهبرد نگاه به شرق، راهبردی منطقه‌گرایانه از سوی جمهوری اسلامی ایران در منظومه نگاه ژئوپلیتیک و جغرافیایی تبدیل شده است.

فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، اهمیت ژئوپلیتیک و منطقه‌گرایی را در نظام بین‌الملل دوچندان کرده، به طوری که بسیاری از کشورها در سیاست خارجی خود منطقه‌گرایی را به عنوان اصلی ثابت و اساسی جهت تأمین منافع و امنیت ملی خود برگزیده‌اند. راهبرد نگاه به شرق، راهبردی منطقه‌گرایانه از سوی جمهوری اسلامی ایران در منظومه نگاه ژئوپلیتیک و جغرافیایی تبدیل شده است، مقصود از راهبرد نگاه به شرق این است که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بازیگر قدرتمند و مطرح آسیایی و صاحب یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های مشرق زمین، به واسطه قرابت تمدنی، فرهنگی و هویتی با دیگر بازیگران این حوزه می‌تواند ضمن طراحی راهبردی دقیق و جامع، خود را به جریان پرشتاب توسعه اقتصادی و رشد صنعتی آسیا پیوند زده و از رهگذر تعمیق همکاری با کشورهای قدرتمند شرقی همچون چین، روسیه، هند و در سطحی نازلتر مالزی و دیگران از امکانات سرمایه‌ای، صنعتی و تکنولوژیک آنان در راستای تأمین منافع کشور بهره‌گیری نماید. سیاست خارجی ایران و روسیه، از تقابل کد/ ژنوم‌های ژئوپلیتیک، تأثیر پذیرفته و رفتارهای دو کشور را نسبت به همدیگر، شکل داده است، ژنوم ژئوپلیتیک، نقشه‌ی جغرافیایی ژنتیک سیاست کشور است که تأثیری بسزا در رفتار نظام‌های سیاسی در نظام بین‌الملل دارد. همان‌گونه که انسان‌ها، مطابق با نقشه‌ی ژنتیک خود عمل می‌کنند، کشورها را نیز کدهای ژنتیک راهبری می‌نمایند. ژنوم ژئوپلیتیک اگر بتواند بین منافع ملی یک کشور، با مزیت‌های جغرافیایی کشورهای دیگر، وابستگی ایجاد نماید، این وابستگی متقابل، فلسفه‌ی تعامل بین‌المللی و توسعه و تکامل

سیستم جهانی می‌گردد و به سیاست‌مداران رخصت می‌دهد که از موقعیت‌های جغرافیایی سرزمین، حساسیت‌های استراتژیک دریایی و خشکی و منابع کمیاب اقتصادی و انرژی و آبی بهره بگیرند تا برتری‌خواهی‌های سیاسی منطقه‌ای و جهانی قدرت را جامه‌ی عمل پوشانند. زمینه‌های تقابل، تاریخی است و می‌توان از روزگاری سخن به میان آورد که اکنون به تاریخ پیوسته است. وقوع انقلاب اسلامی و فروپاشی شوروی، دو رخداد دگرگون‌کننده‌ای بود که به‌طرزی همزمان تاریخ و ایدئولوژی و جنگ سرد را به چالش کشید و نشانه‌هایی از آغاز یک عصر تازه در تقابل/ تعامل میان ایران و روسیه را پدیدار ساخت. انقلاب اسلامی، سیاست‌خارجی ایران را آرمان‌گرا ساخت و فروپاشی شوروی، روسیه را به آوردگاهی غیرایدئولوژیک، داخل نمود. اکنون، کد/ ژنوم‌های مبتنی بر پایه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچر، ژئواتمیک، هیدروپلیتیک و ژئواستراتژیک، سیاست‌خارجی دو کشور ایران و روسیه را بیش از پیش، به همدیگر وابسته ساخته است؛ آمیختگی نوعی نیاز ناچار و نفرت تاریخی، دو کشور را در میان انواع پیچیدگی‌ها، اسیر ساخته است تاجایی‌که، نه می‌توانند و نه می‌خواهند و نه می‌بایست مشی مستقلانه‌ای را در روابط خارجی خود، پیشه سازند. هر دو کشور، اکنون، از سر نیاز. کدهای ژئوپلیتیک روسیه به‌همراه ژنوم‌های ژئوپلیتیک ایران، به‌نحوی شگفت‌آور، به هم وابسته شده‌اند. از منظر دو نگاه گزلفاشفتی و گماینشافتی به روابط ایران و روسیه نشانگر آن است که هم از دیدگاهی تاریخی و فرهنگی و هم از منظر کارکردی، سیاست خارجی ایران و روسیه، ویژگی کناکنشی دارند و کش و قوس میان کد/ ژنوم‌های دو کشور، به شیوه بازیگری آنها نسبت به همدیگر و نسبت به دیگر بازیگران قدرتمند نظام بین‌الملل، وابسته شده است.

فهرست منابع

- امام خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۸). *صدور انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵). *صحیفه امام: مجموعه آثار*، ج ۱۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- آذری‌نجف‌آبادی، محمدمهدی (۱۳۹۰). *تغییر مرکز ثقل سیاست خارجی امریکا پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ م.* فصلنامه سیاست خارجی، س بیست‌وپنجم، ش ۳: ۷۰۲ - ۷۳۴.

- آیین، یاسر (۱۳۸۸). تقابل آینده‌گرایی ایرانی و امریکایی، فصلنامه مشرق، س سوم، ش ۱۱: ۲۰۱ - ۲۲۲.
- احمدی، سیدعباس (۱۳۸۴). جایگاه ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک، تهران: اولین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- اردستانی، حسین (۱۳۸۸). جنگ ایران و عراق؛ رویارویی استراتژیها، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- الهی، همایون (۱۳۸۶). خلیج فارس و مسائل آن، تهران: نشر قومس.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۸۴). سیاست خارجی منطقه‌ای ایران (بخش اول)، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی اقتصادی، س هفتم، ش ۱۲ - ۱۱: ۷۴ - ۸۹.
- ایزدی، جهانبخش (۱۳۹۰). راهبردهای تحقق تعامل مؤثر و سازنده ایران در نظام بین‌الملل، فصلنامه رهامه سیاستگذاری، س دوم، ش ۳: ۴۳ - ۶۷.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۴). نقش استراتژیک خلیج فارس و تنگه هرمز، تهران: سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۷۹). ارتباط و امنیت ملی در جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- خرمی، محمدعلی (۱۳۸۷). جنگ ایران و عراق در اسناد سازمان ملل متحد، ج ۱، تهران: مرکز اسناد و دفاع مقدس.
- خلیلی، محسن (۱۳۹۰). بایدهای ژئواکونومیک توسعه منطقه جنوب شرق ایران، فصلنامه روابط خارجی، س سوم، ش ۴: ۸۱ - ۱۲۴.
- درودیان، محمد (۱۳۷۸). جنگ؛ بازیابی ثبات، ج ۲، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- درودیان، محمد (۱۳۸۲). اجتناب‌ناپذیری از جنگ، ج ۲، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- درویشی، فرهاد (۱۳۸۴). روابط ایران و شوروی در دوره جنگ ایران و عراق سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ با تأکید بر مسئله افغانستان، فصلنامه راهبرد، س بیستم، ش ۳۵: ۲۹ - ۵۲.

- ر. سیوتز، کارول (۱۳۸۶). *اتحاد شوروی و خلیج فارس در دهه ۱۹۸۰م*، ترجمه بیژن اسدی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- رحیمی، حسن (۱۳۸۷). *نقش رهبری سیاسی در جنگهای معاصر ایران*، فصلنامه پیکان نور، ش ۲: ۱۰۲ - ۱۲۰.
- زمانی، هادی (۲۰۰۸). *نفرین نفت: تجربه ایران؛ موانع تکوین دولت مدرن و توسعه اقتصادی در ایران*، ج ۲، لندن.
- صفوی، یحیی (۱۳۸۸). *مبدأ تحول در راهبردی نظامی ایران عملیات تأمین لایمه*، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- طباطبایی، علی (۱۳۸۹). *تأثیر قراردادهای همکاری ناتو و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه راهبرد، ش ۵۵: ۵۹ - ۷۷.
- علمی، ابراهیم (۱۳۸۷). *بحران گروگانگیری و تحریم ایران*، فصلنامه راهبرد، ش ۴۷: ۹۸ - ۱۲۱.
- فاضلی‌نیا، نفیسه (۱۳۸۵). *ژئوپلیتیک شیعه و مسئله امنیت ملی ایران*، فصلنامه شیعه‌شناسی، ش ۳: ۲۱ - ۳۶.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، تهران: سمت.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۴). *دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی کشور*، فصلنامه راهبرد، ش ۴: ۱۳۹ - ۱۹۰.
- میرحیدر، دره (۱۳۸۹). *تحولات پنج دهه اندیشه و جستار در جغرافیای سیاسی*، مشهد: انتشارات پاپلی.
- واعظی، محمود (۱۳۸۵). *ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز، بنیانها و بازیگران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.